شمه از فضایل قرآن که در کلمات مولانا امیر المؤمنان اشاره کردید

هااولا عین آن عبارات عربی را که در خطبه‏های مندرجه در نهج البلاغه است برای‏ کسانیکه طالب بخود عبارات معصوم علیه السلام بوده و از زبان عربی بهره‏دارند نقل و پس از آن ترجمهء آنها را با زبان فارسی برای دیگران بیان خواهیم‏کرد و اعلموا ان هذا القرآن هو الناصح الذی لا یغش و الهادی الذی لا بضل و المحدث‏ الذی لا یکذب و ما جالس هذا القرآن احد الافام عنه بزیادة او نقصان زیادة من‏ هدی و نقصان من عمی و اعلموا انه لیس علی احد بعد القرآن من فاقة و لا لاحد قبل القرآن من غنی فاستشفوه من ادوائکم و استعینوا به علی لا و ائکم فان فیه شفاء من اکبر الداء و هو الکفر و النفاق و الغی و الضلال فاسئلوا اللّه به و توجهوا الیه بحبه‏ و لا تسئلوا به خلقه انه ما توجه العباد الی اللّه بمثله و اعلموانه شافع مشفع و قائل‏ مصدق و انه من شفع له القرآن یوم القیمة و من محل به القران یوم القیمة صدق‏ علیه الا ان کل حارث مبتلی فی حرثه و عاقبة عمله غیر حرثة القرآن فکونوا من‏ حرثته و اثباعه و استنصحوه علی انفسکم و انهموا علیه غیر حرثة القرآن فکونوا من‏ حرثته و اثباعه و استنصحوه علی انفسکم و انهموا علیه آرائکم و استغشوا فیه اهوائکم

خلاصه مضامین این کلمات شریفه آنکه بدانید این قرآن دارای سه صفت‏ میباشد یکی آنکه چنان خیرخواه و پند دهنده است که هرگز در اندرزهای‏ آن غش و خیانتی نمی‏باشد(دومی)آنکه چنان راهنما است که ابدا گمراهی‏ برای کسی که راهنمایش قرآن است امکان‏پذیر نیست(سیمی)آنکه چنان خبر گوینده که هیچ دروغی در خبرهای او نمی‏شود و هم‏نشینی نکرد احدی با قرآن‏ مگر آنکه یک چیزی باو زیاده گردید و یک چیز از او کم شد زیاد آنچه‏ه شد هدایت است آنچه کم شد کوری است بدانید کسی بعد از قرآن بچیزی محتاج‏ نیست،و پیش از قرآن غنائی ندارد(یعنی بهر که علم و معرفت قرآن داده شد چه‏ داده نشد که بآن نیازمند باشد و بهر که این نعمت عظمی داده نشده گویا هیج‏ باو عطا نگردیده از همه‏چیز محروم است)پس این قرآن را شفای دردهای‏ خود قرار بدهید و مرضهای خود بواسطه دواهای آن معالجه بنمائید و یاری بطلبید از آن در زحمات و شدتهای خودتان بدرستیکه در این قرآن شفاء است از بزرگترین‏ دردها که نفاق و کفر و گمراهی و ضلالت باشد بسبب قرآن از خدا حوائج خود را مسئلت بنمائید،و بواسطه محبت آن بخدا رو بیاورید-این قرآن را وسیله‏ سوال از مردم قرار ندهید بدرستیکه بندکان وسیله برای خود بخدا قرار ندادند بمثل این قرآن(یعنی بهترین وسیله‏ها برای تقرب بخدا همین قرآن است) بدانید این قرآن شفاعت‏کننده است و شفاعت آن پذیرفته میشود،و کوینده است‏ تصدیق شده و هرکه روز قیامت قرآن شفیع او باشد شفاعت آن در حق او پذیرفته‏ میشود و هرکه قرآن از او اعراض نماید در روزجزا در ضرر واقع‏گشته تصدیق‏ قرآن پذیرفته خواهدشد در روزقیامت جار میزند منادی آگاه باشید هر صاحب‏ حرفتی و کسبی گرفتار است بواسطه کسب خود،و عاقبت عمل خویش غیر آن‏ کسانیکه حرفت و تجارت‏شان قرآن باشد پس از کسانی باشید که تبعیت او را نمودند و این قرآن را خیرخواه و ناصح خودتان قراربدهید،و آراء و هواهای خود را بکنار گذارید.هر رای و هوا که مخالف قرآن باشد نپذیرد

اگر کسی اندکی تامل در فقرات این خطبه شریفه بنماید استفاده‏های بزرک خواهدکرد و راه خیر و شر را تشخیص داده و ابواب سعادت هر دو جهان بروی‏ گشاده گردیده به نیک فرجامی خواهدرسید(ابن ابی الحدید فاصل مورخ معتزلی) میگوید مردم سخنان در تعظیم،و تجلیل قرآن گفته‏اند،و بیانات امیر المؤمنین ع‏ که فرموده بهترین آنها است و از کلام امیر المؤمنین ع ابن قتیبه روایت نموده‏ در کتاب عیون اخبار که فرمود مثل مؤمن که قرآن میخواند-مثل ترنج است‏ که عطر و بوی خوشی و مزه خوبی دارد،و مثل مؤمن که قرآن نمیخواند-مثل‏ آن میوه است که طعم خوب دارد ولی بو ندارد،و مثل فاجر که قرآن میخواند مثل آن گیاه خوش‏بو و بدطعم و تلخ است،مثل فاسق که قرآن نمیخواند-مثل‏ حنظله(هندوانه ابو جهل)میباشد که مزه تلخ و بوی بد داشته بزرگترین فیوضات قرآن و بهترین استفاده‏های آن در تلاوت و خواندن آن‏ است که از روی فکر و غوررسی در معانی الفاظ مقدسه آن و نکات آنها باشد نه‏ فقط بمجرد قرائت و تجوید و تحسین حروف قناعت بشود گرچه این هم وجودش‏ به از عدم و بی‏فیض و بی‏اجر نمی‏شود ولی فواید بسیار،و بزرک در تدبیر،و تفکر در معانی بابرکت آیات مقدسه است چنانکه آیات و اخبار کثیره بر این معنی دلالت‏ دارد و فی الحقیقه خواندن قرآن برای این است که بفهمیم عمل بمضامین عالیه آن بنمائیم‏ و قرائت مقدسه است و اصل مقصود آنست که از معارف اساسی راجع باصول و عقاید و از تعالیم‏اخلاقی و دستورات‏احکامی آن بهره‏مند بشویم یک آیه بخوانیم و بفهمیم بهتر از آنکه‏ صد آیه بخوانیم و نفهمیم ولو اینکه آن هم بی‏اجر نخواهد شد هرگاه برای تقرب بخدا باشد